

نگاهی موشکافانه به دیدار فعالان کارگری هفت تپه با اهالی مجلس اسلامی در پنجاه و دومین روز اعتصاب نیشکر شوش و موج اعتراضات سراسری دوران کرونایی در جنبش مطالباتی ایران!

امیر جواهری لنگرودی

پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۹۹



نمایندگان مجلس که پیشتر سه تن از آنان در چهل و ششمین روز اعتصاب به شوش وارد شدند و از شدت گرما تاب ماندن در خیابان به خود راه ندادند و در کف خیابان ولو شدند؛ آرام و آرام با آب و باد زدن کارگران حالشان روبراه شد تا وارد سالن کولر دار شهرداری شوش شوند و بعد هم با پروازی به سوی تهران، نشان دادند که تنها وعده آن دیدار، تدارک کشاندن نمایندگان کارگران به مجلس برای روز چهارشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۹۹ ختم به خیر شد

همانروز سیدنظام الدین موسوی در پست توئیتری خود نوشت:

امروز در شهر شوش بیش از ۵ ساعت با #کارگران_هفت_تپه گفتگو کردیم و مفصلاً اعتراضات و مطالباتشان را شنیدیم. در حوزه نظری همیشه منتقد خصوصی سازی بی دروپیکر شرکتها و کارخانه های ملی بوده ام. اما امروز عمق فاجعه ای که به اسم خصوصی سازی و واگذاری در این سالها بیار آمده را به چشم دیدم.

جناب موسوی خود را؛ همیشه خبرنگار - دانش آموخته علوم سیاسی - خدمتگزار مردم شریف ایران در مجلس شورای اسلامی از حوزه انتخابیه تهران، ری، شمیرانات، پردیس و اسلامشهر و عضو کمیسیون اصل ۹۰ می شناساند.

با اشاره به این پیشینه؛ روز چهارشنبه این دیدار در ترکیبی ده نفره از فعالان کارگری هفت تپه که در بین آنان محمد خنیفر - ابراهیم عباسی - یوسف بهمنی و دیگرچهره ها حضور داشتند دربرابر اعضاء کمیسیون ۹۰ مجلس گرد هم آمدند.

نگاهی به صفحه اینستاگرامی اخبار شوش و وبسایت "اخبار شوش" ما را به اینجا میرساند؛ که حاصل این دیدار چند ساعته وعده های بی سر انجام و نامشخص نمایندگان این کمیسیون و زمان خریدن درمقابل هر سطح اقدام عاجل در برابر شکم های گرسنه

کارگران هفت تپه که امروز پنجاه و سومین روز اعتراض را دنبال می کنند را انعکاس دادند!

بزبانی چنانچه این گزارش خبری را مبنای داوری خود قرار بدهیم. سید نظام الدین موسوی که چند روز پیش در برابر گرما و فریاد های شکم های گرسنه مدعی شده بود: « امروز عمق فاجعه ای که به اسم خصوصی سازی و واگذاری در این سالها بیار آمده را به چشم دیدم.» ، آنگاه که در صحنه رودررویی های خیابان های شوش نبود و در مجلس خنگ و صندلی های نرم مجلس نشسته، می فرماید: «مقرر شد؛ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مبلغی را برای پرداخت معوقات کارگران در نظر بگیرند» خوب این یک سوی وعده بی در و پیکر، باز و پا در هوا است. چرا که از سویی معلوم نیست چه زمانی و چه مبلغی باید این وزارتخانه تقبل کند؟ از سوی دیگر کارگران و خانواده های گرسنه آنان از کجا بدانند وزارت کار و دولت حسن روحانی و دستگاه قضایی آنان که چون اختاپوسی دور اسدببگی ها حلقه زده تا صدمه ای به جان و مال او وارد نگردد، به مانند همین پنجاه و دو (۵۲) روز سیاست گرسنگی دادن به کودکان، زنان و مردان و کارگر را از طریق دفع الوقت غیر انسانی شان ادامه ندهند؟ و شرایط دشوار زندگی پنج هزار کارگر زحمتکش و بیست و پنج هزار نفر اعضاء خانوار آنان را در متن شیوع دوباره ویروس مرگبار کرونا و شرایط گرسنگی خانواده ها پیگیری نمایند؟

در این دیدار موسوی به همین حد حرف های نسیه اکتفا نمی کند بلکه گفته است: «انجام کشت به موقع به عنوان دیگر دغدغه کارگران به استاندار خوزستان محول شد...»، استانداری که تا به امروز جزء دریوزه گی خاندان اسدببگی و سهم خواهی های خودش از صنعت نیشکر با هر دانه تسبیح انداختن اش برای خود و همسرش، معامله ردیف می کرد و امروز رشوه گیری او را کودکان دبستان های شوش، مشق شبانه خود می کنند و طی این همه روز فریاد کودکان، زنان و مردان کارگر شوش حاضر نشد یه تک پا، از ترس جان خود از اهواز به شوش در درون استان به میان آن مردم راه یابد، چگونه می توان انجام کشت به موقع را از او طلب نمود؟ در این آدم جزء فساد و دزدی و تسبیح انداختن، و حمایت از خاندان فاسد اسدببگی دغدغه ای نشان می رود تا پاسخگوی جان های گرسنه و رفع دغدغه های بیست و پنج هزار جان های بیقرار شوش باشد و به کارگر بیاندیشد؟ شما از این شکم های گرسنه و این تن های خسته و رنجور در گرمای شوش و دشواری کرونا شرم نمی کنید که اینگونه کارگران را با وعده های تو خالی و سرخرمن، دنبال خود سیاه می فرستید؟

از افاضات موسوی به نمایندگی از سوی مجلسیان حاضر در دیدار دیروز گفته شده: « شرکت باید توسط کارفرمایی اداره شود - که توانایی احیاء آن را داشته باشد- و شرکت را در مسیر افزایش تولید قرار دهد». خوب شما کارگزاران حکومت با همین نیت وانگیزه سود بری، چند سال پیش این شرکت را به خاندان اسد ببگی ها واگذار کردید و حاصلش خانه خرابی بی شمارانی شد که به دفعات در برابرتان صف کشیده اند و امروز بیش از پنجاه روز در صفی متحد و یگانه فریاد می زنند: دست از سر ما بردارید؛ ما خود رهاننده خویشیم! شما باز دنبال کارفرمای توانا می گردید؟

در تمامی این دوره پرشور اعتراضات هفت تپه، کارگران فریاد سلب مالکیت خصوصی سازی را بر زبان می رانند. کودک دبستانی هم دریافته است که ادامه خصوصی سازی امنیت شغلی پدرانشان را با خطر روبرو می سازد و ادامه تحصیل و زندگی آنها را تباه می کند، مادران را نگران و پدران را پریشان حال و اندوهگین می سازد!

دانش آموزان دبیرستانی شوش دریافته اند که سیاست نئولیبرالی حاکم بر صنعت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و خصولیتی سازی حاکم، چگونه راه را برای ادامه تحصیل آنان در نظام آموزش دانشگاهی که کالایی شده می بندد و ورود آنان به بازار کار را ناممکن می سازد

هر چه که در بین نتایج این دیدار و گفتگو شخم میزنی؛ جز وعده و وعده و زمان خریدن و سازماندهی بهینه تمامی ارکان نظام؛ هیچ حرف روشنی را برای کارگران نمی یابی. چرا که در همان گزارش در پایان کار دیروز و در دل مثنی وعده های سازماندهی شده ولی نازل، در گزارش به اصلاح "خانه ملت" آمده است: «جلسه بعدی؛ چهارشنبه هفته آینده؛ عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس همچنین از برگزاری جلسه ای در روز چهارشنبه هفته آینده با حضور دستگاه های نظارتی، نمایندگان کارگران هفت تپه، وزارت اطلاعات، سازمان خصوصی سازی، دیوان محاسبات و... در محل مجلس شورای اسلامی» خبر داد و گفت: «در این جلسه تصمیمات جدی در رابطه با وضعیت مدیریت و مالکیت شرکت اتخاذ خواهد شد تا نتیجه نهایی حاصل شود و به شرایط با ثباتی در رابطه با شرکت هفت تپه برسیم./خانه ملت»

نمایندگان مجلس اگر فکر می کنند به جای اقدامات عاجل و تصمیمات ضربتی و کارساز برای رفع بحران موجود، با مثنی وعده های مبهم می توانند صدای کارگران هفت تپه را خاموش کنند و به مطالبه گری آنان پایان دهند، سخت در اشتباهند و هیچ ارزیابی دقیق از ظرفیت پتانسیل مبارزاتی کارگران هفت تپه ندارند.

کارگران ممکن است تامل کنند و به خود زمان بدهند تا نمایندگانشان از راه برسند و ارزیابی شان از این دیدار را بر زبان آورند ولی هیچگاه خود را مدیون چنین وعده هایی نمی سازند. تا چهارشنبه آینده سازماندهی لازم را به انجام رساندن که که سورچی و کاسه لیس و قداره بند را در کنار هم به عناوین پرطمطراق "دستگاه های نظارتی، وزارت اطلاعات، سازمان خصوصی سازی، دیوان محاسبات و..."، روبروی نمایندگان کارگران هفت تپه، جای دادن، هیچ مشکلی را از هفت تپه ای ها حل نمی کنند. کارگران هفت تپه می گویند: ما را ز سر بریده نترسانید!

خوب است تمامی ارکان حاکمیت از صدر تا ذیل بدانند؛ کارگران هفت تپه پر قدرت تر، توانمند تر وارد صحنه می شوند و اعتراضات را پی خواهند گرفت. هفت تپه ای ها امروز خود را به همراه موج جنبش های اعتراضی اعتصابی کارگران هپکو- پالایشگاه های قشم- آبدان- جقیر- کنگان- پارس جنوبی - پارسین- لامرد- ماهشهر- اصفهان- نیروگاه برق پارس جنوبی بیدخون - سایت پتروشیمی عسلویه- شرکت پتروشیمی رازی ماهشهر - اتوبوسرانی خط واحد ارومیه- شرکت اسفالت طوس دشت آزادگان - کارگران نیروگاه حرارتی و گازی تبریزو نیروگاه برق مشهد - کارگران

شرکت فولاد سنگان - معلمان نهضت سوادآموزی - معلمان حق التدریسی - کارگران شرکت های پیمانکاری - کارگران کنتر سازی و دهها حرکت اعتراضی دیگر... که روز به روز اوج فزون تری بر خود می گیرد، خویشتن را تنها نمی بینند. امروز کارگران هفت تپه، تحرکات اعتراضی به هم پیوسته ای که گامی مهم در مسیر سراسری شدن اعتراضات و اعتصابات کارگری است را در کنار خود می بینند. تحرکاتی که می رود به جنبش سراسری و به هم پیوسته اعتصابات سراسری بدل شوند و باید در انجام این راه کوشید!

امروز و در شرایط دشوار دوران سخت کرونایی، جامعه ما خود را در برابر موج اعتراضاتی می بیند که از صنعتی به صنعتی دیگر و از کارخانه ای به کارخانه ای، از شهری به شهری، از استانی به استان و از یک مجتمع به مجتمعی ای دیگر در گشت و گذار است! نمی توان کارگر هفت تپه را با ابلاغیه به وحشت واداشت و یا با اعدامی جامعه را به عقب نشینی کشاند. مردمی که نان در سفره ندارند و ریخت و پاش آیت الله های شکرخوار، ماهی خوار، جنگل خوار، زمین خوار و رانت خوار و همه چیز خوار، مشتت اختلاس گر دزد را در کنار از مابهتران و آقازاده ها و ژن های برتر و... هر روزه در جای جای کشور نشان می کنند. برای جنبش آزادیخواهی و مطالبه گرجامعه ما و برای دوام و بقاء زندگی یکایک آنان جز اعتراض کردن و به خیابان آمدن چاره ای نمانده است. شکم خالی هیچ چیز نمی شناسد نه زور و نه چماق، نه زندان، نه شکنجه، شلاق و اعدام چاره کار نیست بلکه این گرسنگان اند که استوارتر، نیرومندتر و سازمان یافته تر با درس آموزی از اعتراضات پیشین بازمی گردند و اعتراضات خود را پیگیری می کنند. در برابر آماج ایستاده گی هر روزه هفت تپه ای ها این قولی است که نمایندگان هفت تپه قبل از سفر به تهران به آنان داده اند و تا به امروز نیز در گرمای کشنده هوای شوش، در قتل عام کرونایی و گرسنگی خانواده هایشان قدمی به عقب نگذاشته اند. همچنان استوار پیش می روند. آری ادامه این پیکار را سرباز ایستادن نیست و ما همچنان در کاریم!